

سبک نگارش و تألیف

- ۳ -

« مأمون هفتمین خلیفه عباسی » (۱۹۸ تا ۲۸۸ هـ)

در عصر این خلیفه نهضت علمی مسلمین به معنی واقع شروع و به ظهور و رواج فلسفه و منطق انقلاب بزرگی در افکار پیدا شد فکر علمی در زمان هرون نضج یافته و رواج بازار مناظره و استدلال ذهن ها را به لزوم آموختن فلسفه و منطق متوجه کرده بود .

دانشمندان اسلام هنگامی که خلافت به مأمون رسید دودسته بودند يك دسته فقها که علم به فروع دین و احکام شرعی داشتند و یکدسته اهل کلام که در اصول دین بحث می کردند و مسائل مربوط به توحید و نبوت و معاد و امثال آن را با ادله عقلی اثبات می نمودند ، متکلمین در اواخر قرن اول به دودسته تقسیم شده و یکدسته بنام معتزله عقایدی تازه اظهار می کردند و از عقاید آنها موضوع خلق و حدوث قرآن بود که تا روزگار مأمون جرئت اظهار آن را نداشتند ، فقها هم به دو دسته اهل حدیث و سنت و اهل رأی و قیاس تقسیم می شدند و هر دسته بزرگان و پیشوایانی داشتند ، اهل حدیث و سنت هم در برابر معتزله و هم در برابر اهل رأی و قیاس قرار گرفته بودند و مخالف این هر دو گروه شناخته می شدند ، پیروان اعتزال و اهل رأی و قیاس اغلب ایرانی بودند و مأمون که نیم ایرانی محسوب می شد و در خراسان تربیت یافته بود ، با این دو گروه موافق و با مشایخ و بزرگان آنها مصاحبه و معاشر بود ، به طوری که بزرگان اهل حدیث دعا می کردند که هرون عمر طولانی کند تا مأمون به خلافت نرسد و می گفتند اگر این شخص به خلافت برسد عقاید فاسد یعنی خلق قرآن رواج خواهد یافت اتفاقاً این پیش بینی صورت وقوع یافت و طایفه معتزله عقاید خود را آشکار و مأمون هم به طرفداری آنها قیام کرد ، پیروان

حدیث سنت در مقام معارضه بر آمدند و هنگامه بحث و جلال گرم شد و مأمون که شخصاً به مباحثات علمی مایل بود مجالس مناظره از فقها و متکلمین تشکیل می داد تا در حضور او در موضوعاتی که محل اختلاف است بحث کنند و برای این که مباحثه از روی اصول علمی باشد فرمان داد تا منطق ارسطو را به عربی ترجمه کردند، و پس از آن به ترجمه فلسفه ارسطو امر داد و چون علو افکار ارسطو را مشاهده کرد ترجمه تمام کتاب های آن حکیم را آزاد ساخت و رفته رفته به ترجمه هر نوع کتاب علمی از هر زبان رخصت داد و در عالم اسلام جنب و جوشی عظیم آشکار شد و دانشمندان ایرانی و رومی و مصری و شامی از مسلمان و یهودی و نصاری و بر اهماه و صابئین (ستاره پرست) دست بکار شدند و مأمون که سلسله جنیان این نهضت علمی بود درهای عطا را بر روی مترجمین باز کرد و آنها را به انواع عواطف دلخوش ساخت، بزرگان دولت مأمون نیز هر کس قدرت و ثروتی داشت عده ای از دانشمندان را در حمایت خود گرفته و آنها را به ترجمه و تألیف کتب و امید داشت، این نهضت علمی سالها بعد از مأمون برقرار ماند و نیم قرن نگذشته بود که مهمترین کتاب های قدما به عربی ترجمه شد و عالم اسلام بر رواج انواع علوم و معارف آرایش دیگر گرفت.

وزراء و بزرگان این عصر که مشوق مؤلفین بوده اند:

مورخین اتفاق دارند که مهمترین عامل نشر و رواج علم در زمان عباسی ایرانیان بودند و حتی میل عباسیان به علوم و معارف نتیجه تربیت ایرانی و نفوذ فکر ایرانیان بوده است و وزراء و بزرگان عصر عباسی اغلب ایرانی بودند و آنها هم که ثراد تازی داشتند در دانش پروری از ایرانیان پیروی می کردند، بزرگترین مروج علوم و معارف در این زمان بر امکه بودند که مدت هفده سال در زمان هرون وزارت داشتند سر سلسله این خانواده یحیی بن خالد برمکی مرئی هرون بود و چهار پسر او چهار رکن دولت هرونی محسوب می شدند. یحیی و پسرانش به تشویق علماء و ادبا و فضلاء همت گماشتند و بذل و بخشش بی دریغ آنها کاخ دانش را بر محکمترین اساس بنا نهاد، یحیی دانشمندان هند را به آمدن به بغداد تشویق کرد و آنها را در برابر

دانشمندان سوزید که مروج علوم یونانی بودند ، به ترویج علوم ایرانی و هندی واداشت و همین مرد بزرگ بود که فضل بن نوبخت را به نظم کلیله و دمنه مأمور ساخت و پس از او ابان بن عبد الحمید را بدین کار واداشت، نخستین کسی که در اسلام به ترویج افکار فلسفی پرداخت برامکه بودند که پیش از مأمون برای بحث در مسائل فلسفی مجالس مناظره تشکیل دادند منتهی نظر به این که هر و ن به فلسفه مایل نبود تمایل خود را به فلسفه آشکار نمی ساختند.

خانواده دیگر که در نشر و ترویج علم پیروی از برامکه نمود آل سهل بودند و معروفترین آنها فضل بن سهل و برادرش حسن بن سهل است که مأمون دست پرورده آنها و در نشر علوم گذشتگان تابع عقیده آنها بود علاوه بر این دو خانواده بسیاری از بزرگان این عصر در نقل و ترجمه علوم بذل اموال می کردند از جمله : اسحق بن ابراهیم مصعبی و فضل بن ربیع و در زمان مأمون بنی شا کر یا بنی موسی و بعد از مأمون محمد بن عبد الملك زیات بوده است که ماهی دو هزار دینار برای نقل و ترجمه کتاب صرف می کرد و بنام او کتاب های متعدد نقل و ترجمه کرده اند .

مؤلفین و مترجمین نامی این عصر :

شماره مؤلفین عصر عباسی تا آخر قرن سوم بسیار و ذکر اسامی آنها با شرح حال در ساعات محدود غیر ممکن است و بنا بر این به ذکر اسامی معدودی از آنها که آثار بسیار از خود به یادگار گذارده اند و یا دارای اثری مهم و مشهور بوده اند اکتفا می کنیم و نوعاً باید دانست که مؤلفین این عصر دودسته بودند اول مترجمین ، دوم مؤلفین و مشاهیر دسته اول اشخاص ذیلند :

۱- فضل بن نوبخت : که برای منصور عباسی کتبی در نجوم تهیه کرد و باید دانست که از خانواده نوبخت عده ای اهل تألیف و تصنیف بوده اند و بنام آل نوبخت در تاریخ اشتها دارند .

۲- جر جیس بن جبرئیل یا بن بختیشوع - سرسلسله آل بختیشوع که برای منصور کتبی در طب ترجمه کرد و از خانواده او شش تن تا روزگار معتز بالله عباسی

باتنی و عموماً طبیب مخصوص بوده‌اند .

۳- حنین بن اسحق عبادی - متوفی در ۲۶۴ که به طب اشتهار داشت و زبان‌های فارسی و عربی و سریانی و یونانی را خوب می‌دانست و در زمان مأمون رئیس مترجمین بود و خود در ترجمه ماهر و زبردست بود و معروفست که آنجد را ترجمه می‌کرد بر ورقه‌های سنگی با خط‌های درشت و سطرهای از هم باز می‌نوشت تا طلائی را که هم وزن آن مأمون می‌داد بیشتر شود ، این شخص برای تحصیل کتب علمی شخصاً به روم مسافرت می‌کرد و نه تنها برای مأمون بلکه برای بنی موسی هم ترجمه کتاب می‌نمود شماره ترجمه‌های او را از صد جلد متجاوز نوشته‌اند و این علاوه بر مؤلفات اوست ، اولاد حنین تا چند پشت همگی طبیب و فیلسوف و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده‌اند و به آل حنین اشتهار دارند .

۴- ثابت بن قره حرائی - متوفی در ۲۸۸ که متجاوز از ۱۵۰ جلد کتاب در فلسفه و طب و نجوم و علوم دیگر ترجمه و تألیف کرده است ، اولاد این شخص هم بنام آل ثابت معروف و اغلب صاحب معلومات و تألیفات بوده‌اند .

۵- قسطابن لوقا - وی از بعلبک شام و نصرانی بود ، ترجمه‌ها و مؤلفات او را تا ۶۰ جلد شمرده‌اند . وفات او در زمان مقتدر عباسی بود .

۶- یوحنا بن ماسویه - که مأمون و معتصم و واثق و متوکل را خدمت کرده و در طب مهارت نام داشت و قریب سی جلد کتاب بنام او نوشته‌اند .

۷- یعقوب بن اسحق کندی - یگانه فیلسوف عرب که متجاوز از ۲۲۰ جلد کتاب و رساله در علوم مختلف مخصوصاً فلسفه ترجمه و تألیف کرده است .

۸- عبدالله بن مقفع - نویسنده و دانشمند معروف ایرانی که در سال ۱۴۳ مقتول گردید از آثار مشهور او کلیله و دمنه است که از پهلوی به عربی ترجمه کرده و ترجمه اش آیتی از فصاحت و بلاغت عربی است ابن مقفع آثار دیگری هم از قبیل ادب الکبیر و ادب الصغیر دارد و وی اول کسی است که منطق را به عربی ترجمه کرد و ترجمه او موجود است لیکن منطق او رواج نیافت .

اما مؤلفین این عصر مؤلفین عصر عباسی که تا اواخر قرن سوم در فنون ادب یا علوم اسلامی یا علوم فلسفه کتب تألیف کرده‌اند. شماره آنها بسیار واسامی بعضی از مشاهیر آنها که آثار بسیار داشته یا اثری مهم از خود به یادگار گذاشته‌اند به قرار ذیل است :

۱- محمد بن اسحق بن یسار - متوفی در «۱۵۱» نخستین کسی است که در شرح جنگ‌های پیغمبر و سیرت آن حضرت کتاب تألیف کرده و مشوق او بر تألیف منصور خلیفه دوم عباسی بوده است کتاب او را عبدالملک بن هشام از او روایت کرده و روایت او به سیرت ابن هشام معروف است لیکن اصل کتاب از محمد بن اسحق است .

۲- ابو مخنف لوط بن یحیی - متوفی در «۱۵۷» وی از اصحاب علی (ع) و در تاریخ وقایع مهم و فتوح اسلامی مخصوصاً وقایع مربوط به عراق، متخصص بود، ترتیب کتاب نوشتن وی این بود که برای هر یک از وقایع و جنگ‌های مهم اسلامی کتابی مستقل می‌نوشت و هر کتاب را به نام واقعه یا شخصی که صاحب واقعه بود یا محلی که واقعه در آن روی داده بود موسوم می‌گرداند از قبیل کتاب مقتل علی - کتاب مقتل عثمان کتاب مختصار ، کتاب صفین ، کتاب جمل و امثال آن ، بعضی از دانشمندان بر آنند که تاریخ وقایع و فتوح اسلامی را سه تن تکمیل کرده‌اند نخست لوط بن یحیی که در تاریخ عراق تخصص داشت ، دوم مدائنی که اخبار خراسان و فارس و هند را به ترمی دانست، سوم واقدی که به وقایع حجاز و سیرت پیغمبر و خلفاء و اصحاب آن حضرت بصیرتر بوده است.

۳- خلیل بن احمد فراهیدی از دی - متوفی در ۱۸۰ هجری این شخص در نحو استاد زبردستی بود و در لغت عرب مهارت بسیار داشت و علم عروض را او وضع کرده و اولین کسی است که به تدوین لغت به ترتیب حروف اقدام نموده است. اشتهاور این شخص به واسطه وضع علم عروض و ایجاد سبک جدید در لغت - نویسی است و کتاب لغت او به کتاب العین معروفست ، خلیل علاوه بر این کتاب

مؤلفات دیگر هم داشته که نسخه خطی بعضی از آنها در کتابخانه های بزرگ اروپا موجود است .

۴- عمرو بن عثمان بن قنبر معروف به سیبویه وفاتش در ۱۸۳ ، یگانه دانشمندی است که قواعد زبان تازی را به کامل ترین صورت در دو مجلد تألیف کرده و نسبت به آن زبان خدمتی انجام داده است که دانشمندان عجم و عرب به اهمیت آن قائلند .

سیبویه اصلاً از اهل فارس بوده برای کسب معلومات به بصره سفر کرد و در نزد خلیل بن احمد و چند تن دیگر درس خواند و به اندک زمان در ادب سرآمد اهل عصر شد و توانست اثری جاودان از خود به یادگار گذارد اهمیت کتاب سیبویه در عصر مؤلف به حدی رسید که لفظ « کتاب » علم بالغلبه شد و عامه مردم الکتابش خوانند. جاحظ گوید در نحو کتابی نظیر کتاب سیبویه نوشته شده و هر کس بعد از آن کتابی بنویسد از او استفاده و اقتباس کرده است کسی که کتاب سیبویه را می دانست محترمترین دانشمندان محسوب می شود و از خواندن و آموختن این کتاب به « رکوب بحر » تعبیر می آورده اند .

سیبویه در زمان اشتهار خود به بغداد رفت و میان او و کسایی که وی نیز ایرانی و فارسی و از علمای نحو بود رقابت افتاد این رقابت منتهی به مناظره و مباحثه شد و در مناظره چون کسایی معلم امین بود به شرحی که ذکر آن مایه اطناب است . سیبویه بناحق مغلوب گردید و سخت افسرده خاطر شد به طوری که به فارس برگشت و در بیضاء در سن جوانی در گذشت .

۵- محمد بن حسن شیبانی متوفی در ۱۸۹ هـ ، وی شاگرد ابوحنیفه و مروج فقه او بود و در فقه کتب بسیار تألیف کرده و از جمله کتب المبسوط و پس از آن الجامع الکبیر است که بر آن شرح های متعدد نوشته اند و بعضی هم آن را ملخص کرده اند .

۶- هشام بن محمد کلبی متوفی در (۲۰۴) هجری به استادی در علم انساب معروف و به قوت حافظه و بسیاری محفوظات موصوف بود شماره مؤلفات او را تا

۱۵۰ جلد نوشته‌اند: عشوق او بر تألیف هرون و مامون و بر امکه بوده‌اند و برای مأمون کتابی به نام الفرید و برای جعفر برمکی کتابی بد نام ملوکی تألیف کرده است مهمترین کتب او جمهرة الانساب است که نسخه خطی آن در کتابخانه‌های اروپا یافت می‌شود و از سایر مؤلفات او جز یکی دو جلد باقی نیست.

۷- محمد بن عمر واقدی - متوفی در ۲۰۷ هـ از نویسندگان بزرگ و دانشمندان جلیل‌القدر بود، در تاریخ اسلام تبخّر داشت، مؤلفات او را که اغلب در این فن است تا ۲۸ جلد نام برده‌اند و از آن جمله بیش از هشت نه جلد باقی نیست و یکی از آنها فتوح الشام و فتح افریقا و فتح مصر و اسکندریه است، فتوح الشام او چندین بار طبع شده و نسخه آن فراوان است.

۸- ابو عبیده معمر بن مثنی - متوفی در ۲۰۹ هـ از فحول ادبا و فضایل عصر خود و از ایرانیان متعصب بود و عرب را سخت دشمن می‌داشت و کتبی چند در مثالب عرب تألیف کرده است و با این همه در علم لغت و ادب عربی بی‌نظیر بود، میان او و اصمعی رقابت شدیدی برقرار، لیکن به واسطه حمایت اسحق موصلی غلبه با ابو عبید بود ابو عبید تمام عمر خود را به تألیف می‌گذرانید و در وصف او گفته‌اند که تا زنده بود چیزی می‌نوشت، شماره مؤلفاتش را تا ۲۰۰ جلد نام برده‌اند و بیشتر در لغت و ادب و تاریخ و انساب است و از این همه مؤلفات بیش از دو جلد باقی نیست یکی طبقات الشعرا و دیگر نقائص جرید و فرزدق.

۹- عبدالملک بن قریب - متوفی در ۲۱۳ هـ معروف باصمعی، که در لغت و ادب مخصوصاً شعرشناسی و انتقاد و نقل اشعار مهارت داشت هارون الرشید او را اکرام و انعام بسیار می‌کرد لیکن به سعی اسحق موصلی بالاخره از نظر هرون افتاد و ابو عبید جای او را گرفت مؤلفات اصمعی را متجاوز از چهل جلد نام برده‌اند ولی از تمام آنها بیش از ده دوازده جلد باقی نیست و اغلب به طبع رسیده و از آن جمله است اصمعیات کتاب الحیل (لغات مربوط به اسب) کتاب خلق الانسان، کتاب النبات والشجر.

۱۰- ابوزید انصاری - متوفی در ۲۱۵ هـ ، دانشمندی معتبر و در نحو و لغت به استادی مسلم بود و بسیاری از ادبای بصره شاگردان او بودند و در لغت و ادب کتاب بسیار نوشته و از آن جمله بیش از دوسه جلد باقی نیست و یکی از آنها کتاب النوادر است که در چهل سال قبل تقریباً در بیروت چاپ شده است .

۱۱- ابو عبید قاسم بن سلام - متوفی در ۲۲۳ هجری ، در بندگی شخصی از مردم هرات بود پس بد تحصیل علم پرداخت و در ادب و فقه و حدیث سرآمد اهل زمان خود شد مدت هشت سال در یکی از بلاد اسلامی به شغل قضاء مشغول شد ، مشوق وی بر تألیف عبدالله بن طاهر فرمانروای خراسان بود هر کتابی که تألیف می کرد به عبدالله هدیه می نمود و او برای هر کتاب مال بسیار به او می داد تا وقتی که کتابی به نام غریب الحدیث تألیف کرد و برای عبدالله فرستاد ، عبدالله گفت خردمندی که چنین کتابی تألیف کند برای معاش در اندیشه نباید باشد و برای او ده هزار درهم ماهیانه قرار داد ابن الندیم در الفهرست مؤلفات او را در ادب و شعر نحو و لغت و فقه و حدیث و تفسیر قرآن نام برده ولی از تمام مؤلفات او چهار پنجم جلد باقی است و یکی از آنها کتاب الامثال است که در اروپا با ترجمه لاتین طبع شده و از غریب الحدیث او هم نسخه خطی در بعضی کتابخانه ها یافت می شود .

۱۲- یعقوب بن اسحاق معروف به ابن السکیت متوفی در ۲۴۴ هـ معلم پسران متوکل بود و به امر آن خلیفه به جرم شیعه بودن کشته شد وی ادیبی بی نظیر و آخرین دانشمند نحوی بود که بر طریقه کوفی ها بود اصل او از اهواز بود و برای تکمیل ادب عربی علاوه بر استفاده از استادان مدت ها در میان قبائل عرب گردش می کرد و هر لغت و نکته تازه که می شنید می نوشت متجاوز از ۲۰ جلد مؤلفات داشت و از آن جمله است کتاب اصلاح المنطق و کتاب تهذیب الالفاظ که هر دو طبع شده و از کتب سودمند بشمار است .

۱۳- علی بن ربیع طبری - متوفی در ۲۴۷ هـ وی نخستین کسی است که تمام مسائل طب را در یک کتاب جمع و تدوین کرده و کتاب او به نام فردوس الحکمه

معروف و به طبع رسیده است بعضی او را استاد محمد بن زکریای رازی دانسته و بعضی براین قول اشکال وارد آورده‌اند.

علی بن ربین در آغاز زندگی در طبرستان و بر کیش یهود و نویسندۀ مازیار بن قارن بود ، به واسطه انقلابات طبرستان به بغداد رفت و بردست معتصم عباسی اسلام آورد و روزگار متوکل را نیز دریافت و در نزد این دو خلیفه کمال تقرب را داشت .

۱۴- شاپور بن سهل - متوفی در ۲۵۵ هـ وی از اهل اهواز و بر کیش نصاری بود پدر او را سهل کوسه می گفتند و او طبیبی بی نظیر بود و شاهپور در طب و معلومات دیگر بر پدر خود تفوق داشت و رئیس بیمارستان جندی شاپور بود ، در طب کتابهای متعدد نوشته که معروف ترین آنها قرابادین است در دواشناسی ، که مدت‌ها اطبا و دواسازان از آن استفاده می کردند و وی نخستین کسی است که به تألیف چنین کتابی اقدام کرده است . نسخه خطی کتاب او را می گویند در اروپا موجود است.

۱۵- ابن خرداذبه که در اواسط قرن سوم وفات یافته پدر وی در ابتدای زندگی بود و بردست برامکه اسلام آورد و نواده او در زمان معتصم عباسی از ندما و مقربان دربار خلافت بود ، تألیف چندین کتاب را به او نسبت داده‌اند و از جمله کتاب المسالك والمباليك است در این کتاب نقاطی را که باج گذار عباسیان بوده‌اند ذکر کرده و این کتاب فوائد تاریخی بسیار دارد و در سال ۱۳۰۶ در لیدن طبع شده و یکی از مأخذ مهم جغرافیائی بشمار است .

۱۶- بانو خاتم سجستانی متوفی در ۲۵۵ هـ . ق ، از وی کتابی به نام کتاب العمرین باقی است.

۱۷- جاحظ متوفی در ۲۵۵ هـ . ق ، این شخص از بزرگان ائمه ادب و در نویسندگی صاحب سبک بود مؤلفات بسیار دارد و از آن جمله است البیان والتبیین ، کتاب الحيوان ، کتاب المحاسن والاضداد ، کتاب التاج .

۱۸- محمد بن اسمعیل بخاری ، متوفی در ۲۵۶ هـ ، وی از محدثین بزرگ و

مؤلف صحیح بخاری است که یکی از شش کتاب معتبر اهل سنت بشمار است.

۱۹- ابومعشر بلخی، جعفر بن محمد متوفی در ۲۷۲، این شخص از اصحاب حدیث و دشمن فلاسفه بود و از یعقوب کندی بدی بسیاری گفت تا این که یعقوب بعضی را واداشت که او را به خواندن حساب و هندسه و نجوم ترغیب کردند ابومعشر در نجوم سرآمد دانشمندان عصر خود شد و معروفست که از ۴۷ سالگی به آموختن این علم شروع کرد، مؤلفات او را متجاوز از سی جلد اسم برده اند و از آنها جز معدودی باقی نیست.

۲۰- ابن قتیبه دینوری (عبدالله بن مسلم) متوفی در ۲۷۶، در فنون ادب و فقه و تفسیر و سایر علوم استاد بود، در نقد ادب کتاب های متعدد نوشته و از کتب معروف او یکی عیون الاخبار است که در چهار جلد طبع و دیگر ادب الکاتب است که بر آن شروح متعدد نوشته اند. (بقیه دارد)

مهدی ابراهیمی (رامش)
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
واشنگتن *

بستر تب ها

بی تو خوابم نمی برد شب ها	خیره در اختران و کوکب ها
می گریزم به بستر تب ها	دور از آن روی نازنین هر شب
می دهی بوسه ها از آن لب ها	غیرتم می کشد چو می بینم
آن چه آموختم به مکتب ها	شور عشق تو برده از یادم
در دل شب به بانگ یا رب ها	عذر تقصیر رفته می خواهم

مجله یغما - آفرین بر مهدی ابراهیمی (؟) که در مرکز چون امریکا
زبان ادبی فارسی را از یاد نبرده!